

مسجد ملک زوزن تنها بنای بجا مانده از شهر تاریخی زوزن

گزارش تفصیلی ۱ سفر به خواف

ساعت ۱۰:۳۰ دقیقه روز جمعه ۹۱/۱۱/۲۰. اولین بنایی که بازدید می کنیم مسجد ملک زوزن است که در ۶۵ کیلومتری جنوب غربی شهر خواف قرار دارد و از جمله مساجد دو ایوانی و تنها بنای آجری برجا مانده از بقای شهر تاریخی زوزن است و اکنون همچون نگینی در دل بیابان می درخشد.

پیشتر آقای زنگنه به آنچه در برخی متون کهن همچون مجمع البلاد یاقوت حموی از ابولحسن بیهقی در مورد وجه تسمیه «زوزن» آمده، اشاره کردند که زرتشتیان آتشی را بر پشت شتر از آذربایجان به سیستان می بردند که ناگاه شتر حامل آتش مقدس در ناحیه زوزن سینه بر زمین می زند. برخی از عمله آتش به شتر می گویند: زوزن به این معنی که زود برخیز و تلاش کن، چون شتر اطاعت نمی کند آتشکده را همانجا بنا می کنند. آقای عطوفتی هم گفتند اینجا درختهای کاج بسیار است و مردم این ناحیه به برگهای آن سوزیا می گویند و احتمال دارد زوزن تغییر یافته سوزیا باشد - چنانکه محمد حسن خان اعتماد السلطنه در تاریخ آل اشکان گفته است. آقای لباف زوزن را ترکیبی از «زو» به معنی خدای توفان و ابر باران زا و «زن» پسوند مکان می داند که روی هم به معنی جایگاه خداوند توفان است و با توجه به بادهایی که به زوزن و نشتیفان می وزیده و آسبادهایی که بر همین اساس برافراشته شده اند این وجه درست تر می نماید.



تصویر شماره ۱: ایوان قبله

آقای لباف خانیکی در مورد مسجد ملک زوزن توضیحات درخوری می دهند که ماحصل آن چنین است:

این مسجد از نمادهای فرهنگی و هنری ایران است و اشراف معمار به روانشناسی، معماری و هنر به کمال در آن دیده می شود. آندره گدار در ۱۹۴۰م که به اینجا آمده بود شواهدی یافت و بر مبنای آن بدرستی به این نتیجه رسید که این بنا نیمه تمام مانده است. بعضی چون شیلا بلر آمریکایی با توجه به کتیبه های اینجا گفت این بنا یک مسجد یا مسجد-مدرسه است. ما نیز با گمانه زنیهای باستانشناسی که از سال ۱۳۶۸ آغاز شد، در پی رد و اثبات این نظریات برآمدیم که البته نتایج آن در مجموعه مقالات معماری دانشگاه هنر چاپ شد.

بقایای معماری نشاندهنده حداقل سه مرحله معماری بنایی عظیم است که آنرا جز یک مسجد نمیتوان دانست.



تصویر شماره ۲: سمت راست ایوان قبله

در سمت راست ایوان قبله - که زیر آجر است - نیم استوانه هایی که به دیوار چسبیده است و گلی است و روی آن با تزیینات شیاره ای مزین بود، یافتیم که نصفی از یک دروازه ورودی بوده و نصف دیگر آن می باید سمت چپ بنا باشد اما با وجود اینکه تراشه ای کوچک در آنطرف ایجاد کردیم آثار و شواهدی از آن نیافتیم ولی به این نتیجه رسیدیم که در زمان سامانیان و طاهریان در این مکان سازه های گلی عظیمی چون این جرز داشتیم.

با توجه به این ستونها می توان گفت مسجدی که در مرحله اولیه ساخته شده، از نوع مساجد شبستانی بوده - که مسجد ایرانی یا عربی هم بدان می گویند، مثل مسجد جامع تاریکخانه دامغان و مسجدالنبی - و قرار بوده مسجد ایوان دار بر روی مسجد شبستانی ساخته شود.

آقای لباف آنچه فرضیه نیمه تمام ماندن بنا را تقویت می کند چنین بر می شمرد:

- بخشی از بنا کف سازی شده اما این کف سازی کامل نشده چون لازمه آن برداشتن یکسری سازه ها مثل ستونهای داخلی است، و هرچند زیر دیوار آجر گذاشتند که شیب را در نظر بگیرند اما کفسازی کامل انجام نشده است.

- در همین گوشه راست ایوان، کارگاه تراش آجر ایجاد کرده بودند و انبوهی آجر ساخته شده بود که اینها را نصب نکرده بودند. (در زیر یکی از ستون ها هم به آجرهای گل و بته ای اسلیمی به صورت نخاله برخوردیم که با آن شالوده را پر کردند و اکنون در موزه مسجد نگهداری می شود که یادگاری از دوره های قبل است. توضیح اینکه در زمان سلجوقی کتیبه قالب ریزی شده مثل کتیبه مسجد خرگرد را داریم، به دوره خوارزمشاهی که می رسیم شیوه کار متفاوت می شود. دیگر کتیبه قالب ریزی شده بورس نیست و کتیبه آجر تراش به کار می بردند، برای همین کتیبه های پیشین را که دیگر مطرح نبوده به عنوان شفته در زیر زمین دفن کردند و بنابراین سه تا چهار متر زیر زمین از کتیبه های قالبریزی شده یافتیم که احتمالا چون عربی بوده و آیات قرآنی داشته اینگونه

دفن

کرده

اند.



تصویر شماره ۳: سمت چپ ایوان قبله، محراب به جا مانده از دوره سلجوقی

سمت چپ ایوان قبله مسجدی بازمانده از دوران سلجوقی است. محراب که پیدا شد مشاهده شد که محراب در داخل یک صندوق گلی حفظ شده بود یعنی جلو آن دیوار کشیده بودند. هفت ردیف خشت خام چیده بودند و حدفصل این خشت ها با محراب را حدود ۱۵ سانتی متر ماسه بادی ریخته بودند حال یا به خاطر آیات قرآنی که روی آن نوشته شده بوده و خواستند اهانت نشود یا اینکه خواستند تغییر مکان بدهند و یا به نوعی در همین مکان آن را تغییر کاربری بدهند، به هر روی فرضیه نیمه تمام بودن مسجد را تقویت می کند.

- شالوده ستونی که سمت راست مشاهده شد و زیر آن کتیبه ها بود، در سمت راست نیز مشاهده می شود که البته در واقع پی ای هست که در آینده باید بالا می آمده به گونه ای که یک شبستان در راست و شبستانی دیگر سمت چپ مسجد قرار بگیرد که رها شده است.

- دلیل آقای گذار بر نیمه تمام بودن مسجد نیز بر این پایه بود که اگر بنا بود کار تمام شده باشد باید از محراب، که قلب مسجد است، شروع می کردند و ابتدا تزیینات محراب را تمام می کردند؛ منتها سازندگان از بالاترین قسمت ایوان، اسپر ایوان، تزیینات را چیده اند تا به محراب برسند اما کار را نیمه رها کرده اند.

تعبیه طاق ایوان: مهارت معمار در مستحکم ساختن دیوار

محراب را که ساختند دیوار ضعیف شده و معمار فکر کرده دیوار ممکن است بشکند لذا طاقی تعبیه کردند تا فشار به دو جرز منتقل شود.

از نظر روانشناسی عمقی که به کتیبه ها داده شده موجب شده عظمت را بیشتر القا کرده و تواضع معمار که در انتهای دو قاب آجری که یک طرف آن «دعاگوی عز تو» و طرف دیگر «دعا می خواهد» نوشته و از خود نامی نبرده است.

قبر نوجوانی یازده دوازده ساله در اطاقک سمت چپ ایوان

داخل ایوان، سمت چپ، اطاقکی است که سنگ قبری در آن قرار دارد. آقای لباف می گوید قبر نوجوانی ۱۲/۱۱ ساله است. حال یا شاهزاده ارزشمندی بوده که در اینجا دفن شده یا در ضمن کار کشته شده و یا فرد خاصی از قبل یوده که به احترامش آنرا نگاه داشته اند که این درست تر به نظر می رسد.



تصویر شماره ۴: قبر نوجوان ۱۲/۱۱ ساله

نشانه ای از حیات در زیرزمینی واقع در ایوان قبله

در کف بنا زیرزمینی عظیم است که اکنون روی آن را با مصالح پوشانده اند. این زیرزمین طاقچه هایی دارد که آثار دودگرفتی و پی سوز چراغ در آن دیده شده است که نشان می دهد مورد استفاده بوده است. اما قدمتش خیلی بیشتر از خود بنا است. سفالهای باقیمانده از دوره غزنوی از یافته های این زیرزمین است.

حمله مغول دلیلی بر نیمه تمام ماندن مسجد ملک زوزن

آقای لباف در ادامه از تاثیر حمله مغول در روند ساخت بنا می گوید:

آخرین تاریخی که در مسجد دیده می شود در کتیبه ای عمودی است که سال ۶۱۷ هجری را نشان می دهد سالی که مغولها حمله کردند. توده گچ بیخته کنار مسجد و تعداد زیادی گلمیخ و کاشی و مصالحی که آماده شده ولی مورد استفاده قرار نگرفته، نشان می دهد حمله مغول دلیل نیمه تمام ماندن مسجد بوده است.

نکته دیگر اینکه کاشی معرق در واقع اینجا متولد شد و برای اولین بار کاشیهای آبی و لاجوردی اینگونه در بناها به کار رفت منتها متأسفانه حمله مغول اجازه رشد کاشی را در اینجا نداده است. سازندگان پس از حمله مغول به جنوب و غرب و شمال غرب مهاجرت کردند و کاشی معرق را آنجا رشد دادند و زمان ایلخانی دوباره برگشتند و کاشی معرق را کمال دادند.



تصویر شماره ۵: ایوان مقابل قبله

ایوان مقابل قبله

به سمت ایوان مقابل قبله می رویم با اینکه دو ایوان (ایوان قبله و ایوان مقابل قبله) قرینه هم و روبروی هم ساخته شده اند کاشیکاری و تزیینات آنها متفاوت است. ستونها در این قسمت هم هستند و دقیقاً همان وضعیتی که در آن ایوان بوده مثل کفسازی نشدن و نیمه کاره رها شدن تزیینات و... در این ایوان هم مشاهده می شود. آقای لباف می گوید این تزیینات و کاشیکاری متفاوت، تنوع کاری و مهارت معمار در ایجاد طرحهای متنوع و متفاوت را نشان می دهد.

نکته دیگر این است که قبله متمایل به غرب است چنانکه قبله حنفی ها اینگونه است.

موزه مسجد ملک زوزن:

جنب مسجد موزه ای است که در آن:

بخشی از محراب مکشوفه از ضلع شمالی قبله،



سفالهای مکشوفه از گمانه زنی حریم شهر تاریخی زوزن در سال ۱۳۸۵ به قدمت قرن ۶ تا ۷ هجری، بخشی از گچبری تزئینی مکشوفه از فضای پشت محراب، آجرهای تزئینی مکشوفه از اطراف ایوان قبل، تنپوشه های سفالین مکشوفه از باغات داخل شهر تاریخی زوزن



و کاشی های به دست آمده از کاوشهای باستانی ضلع شمالی ایوان قبله نگهداری می شود.



تهیه و تنظیم گزارش :

نفیسه ایرانی